



مروزی بر معانی «مولی» / قرائت عبدالله بن مسعود از آیه ۵۵ سوره مائده

یک مدرس حوزه ضمن بررسی معانی واژه «مولی» با تکیه بر کتاب «نهج الایمان»، گفت: این معانی همه به «اولی» بالتصرف» برمی‌گردد و ما در هیچ یک از آن‌ها نمی‌توانیم معنای جدیدی که با این معنا ارتباط نداشته باشد پیدا کنیم.

یک مدرس حوزه ضمن بررسی معانی واژه «مولی» با تکیه بر کتاب «نهج الایمان»، گفت: این معانی همه به «اولی بالتصرف» برمی‌گردد و ما در هیچ یک از آن‌ها نمی‌توانیم معنای جدیدی که با این معنا ارتباط نداشته باشد پیدا کنیم.

حجت‌الاسلام و المسلمین سیدمهدی حائری قزوینی، مدرس حوزه و پژوهشگر علوم و معارف اسلامی در گفت‌وگو با خبرگزاری بین‌المللی قرآن (ایکنا)، به بیان نکاتی در باب حدیث غدیر و معنای مولا در این حدیث پرداخت.

بی‌نظیر بودن حدیث غدیر از حیث تعداد راویان و شاهدان

حائری قزوینی با اشاره به کثرت روات و شاهدان این حدیث، گفت: حدیث شریف غدیر از این حیث از احادیثی است که نظیر ندارد و بعضی گفته‌اند که تواتر حدیث غدیر تا حدی است که بالغ بر 60 هزار نفر یا 86 هزار نفر شاهد آن بوده‌اند و در روز غدیر حضور داشته‌اند و این حدیث را شنیده‌اند. و لذا در نوع کتاب‌های غیرشیعیه هم این حدیث نقل شده است؛ به اقتضای آن مؤلف و نویسنده که چه مقدار از این حدیث را نقل کرده باشد؛ اما اکثر آن‌ها این جمله معروف را نقل کرده‌اند که «من کنت مولا فها علی مولا».

وی افزود: بر این اساس و با توجه به این که عادتاً اجتماع چنین جمعیت کثیری بر تزویر و دروغ و جهل امکان‌پذیر نیست و عقل نمی‌پذیرد که کسی ادعا کند و حتی تصور کند که چنین چیزی غیرواقع بوده است، لذا عده‌ای سعی کرده‌اند در معنای «مولا» مناقشه کنند و بگویند که اینجا پیغمبر اکرم (ص) نخواستند امامت و ولایت امیرالمؤمنین (ع) بعد از خودشان را بیان کنند و مقصود بیان فضیلتی برای امیرالمؤمنین (ع) بوده است و ادعا کرده‌اند که پیغمبر اکرم (ص) «ناصر» یا «دوست» را که معنای دورتر مولا است در نظر داشته است.

همه معانی مولی به «اولی بالتصرف» بازمی‌گردد

حائری قزوینی با اشاره به پاسخ‌های فراوانی که علمای شیعه به این مسئله داده‌اند، از این میان به مباحث کتاب نهج الایمان پرداخت و گفت: در این کتاب که ابن‌جبر یکی از متکلمین برجسته شیعه در قرن هفتم آن را نوشته است، مؤلف در باب کلمه مولا می‌فرماید که معنای مولی «اولی بالتصرف» است و معنای دیگر این کلمه همه به همین معنا برمی‌گردد و ما در هیچ یک از آن‌ها هم نمی‌توانیم معنای جدیدی که با این معنا ارتباط نداشته باشد پیدا کنیم.

9 معنا برای «مولی»

وی با اشاره به 9 معنایی که این متکلم برای لفظ «مولی» برشمرده و به بررسی آن‌ها پرداخته است، گفت: از جمله این معانی پسرعمو، همسایه، هم‌پیمان، معتق و معتق، مالک رق، ناصر، ضامن دیه و سید مطاع است. این‌ها در زبان عربی را مولی گفته‌اند اما ایشان بیان می‌کند که همه به معنای اولی بالتصرف برمی‌گردد.

حائری قزوینی در مورد مولی به معنای پسرعمو گفت: چنین دلالتی به این دلیل است که پسرعمو دیه را از ناحیه پسرعموی خود عهده‌دار می‌شود. در عرب مرسوم بوده است و در شرع مقدس هم این مطلب امضاء شده است که دیه را عاقله شخص باید بپردازند و اگر کسی تمکن پرداخت دیه ندارد فامیل او از جمله پسرعموی او باید بپردازند. لذا پسرعمو چون اولی هست به عموزاده خود و میراث او را در صورتی که طبقات قبلی از وراث نباشند تصرف می‌کند، لذا اولی از دیگران است به پسرعموی خود. پس همان اولویت سبب شده است که پسرعمو را مولی بگویند.

این محقق و پژوهشگر در مورد مولی به معنای همسایه و هم‌پیمان نیز بیان کرد: همسایه نیز از جهت نزدیکتر بودن به انسان اولی از دیگران است. برای مثال در معامله ملک، همسایه می‌تواند در صورت بی‌اطلاعی به عنوان شفعه اعتراض کند و نسبت به همسایه خود مدعی شود که چرا برای معامله مرا مطلع نکرده‌ای. این از جهت اولویت همسایه است و به همین خاطر است که او را مولی می‌گویند. همچنین هم‌پیمان را نیز در آن زمان که حلف بیشتر مطرح بوده است، مولی می‌گفته‌اند به اعتبار این که اولی به یاری هم‌پیمانش است.

وی در مورد معتق و مالک رق نیز عنوان کرد: معتق و معتق یکی برده‌ایست که آزاد می‌شود و دیگری آن که برده را آزاد می‌کند. این دو در صورتی که وارث دیگری نباشد از هم ارث می‌برند. بر همین اساس چون این‌ها اولی به میراث هم هستند و یا آن کسی که برده‌ای را آزاد کرده است چون اولی به یاری آزادشده‌اش است آن‌ها را مولی گفته‌اند. مالک رق هم کسی است که برده‌ای را در اختیار دارد و عهده‌دار تدبیر امور اوست. خب در اینجا هم طبعاً معلوم است که او را مولی می‌گویند به جهت این که اولویت تدبیر امور آن شخص را و امر و نهی نسبت به او را دارد.

حائری قزوینی در مورد سایر معانی هم گفت: ناصر را مولی می‌گویند به اعتبار این که یاری کردن نسبت به او در اولویت است. ضامن جریبه هم به معنای کسی است که جرمی را که از غلام یا غیرغلام صادر شود عهده‌دار می‌شود و تضمین می‌کند و می‌گوید اگر این شخص خیانتی یا جنایتی کرد و صدمه‌ای به کسی رساند من ضامن هستم. در این مورد هم به جهت این که

اولویت به اوست از این شخص به مولی تعبیر می‌کنند. همچنین سید مطاع، یعنی رئیس مطاع و کسی که مورد اطاعت زبردستانش است از جهت اولویت اطاعت مولی نام دارد.

شواهدی از قرآن، حدیث و اشعار عرب

وی با اشاره به شواهدی از قرآن، حدیث و همچنین اشعار عرب، در این رابطه بیان کرد: آیه مبارکه قرآن در سوره مبارکه حدید می‌فرماید: «فَالْيَوْمَ لَا يُؤْخَذُ مِنْكُمْ فِدْيَةٌ وَلَا مِنَ الَّذِينَ كَفَرُوا مَأْوَاكُمُ النَّارُ هِيَ مَوْلَاكُمْ وَيُنْسِ الْمَصِيرُ؛ پس امروز نه از شما و نه از کسانی که کافر شده‌اند عوضی پذیرفته نمی‌شود جایگاهتان آتش است آن سزاوار شماسست و چه بد سرانجامی است» (حدید/15). کلمه مولی که در این آیه به کار رفته است به همان معنای اولویت و سزاوارتر بودن به سوزاندن شدن کفار و کسانی است که در روز قیامت در معرض عذاب قرار می‌گیرند.

این پژوهشگر قرآنی افزود: این مطلب را بزرگان علمای لغت و ادبیات عرب تصریح کرده‌اند؛ از جمله ابوعبیده المثنی که هم در علوم عربی مقدم بر دیگران بوده است و هم از خوارج است و کسی است که آشکارا دشمن امیرالمؤمنین(ع) است و نمی‌تواند متهم باشد که شیعه است و به همین جهت این معنا را برگزیده است. یا ابن‌قطیبه که از علمای عامه است گفته است که مولی یعنی «هی اولی بکم» یعنی آتش به شما سزاوارتر از دیگران است. اولی و اولویت را این جا معنا کرده‌اند. بنابراین اگر معنای دیگری درست بود آن‌ها می‌گفتند.

حائری قزوینی با اشاره به شواهدی از روایات، گفت: در روایتی که ظاهراً از پیغمبر(ص) است و عامه هم آن را نقل کرده‌اند و کلمه مولی در آن به کار رفته است، آمده «أَيُّمَا إِمْرَأَةً نَكَحْتَ بِغَيْرِ إِذْنٍ مَوْلَاهَا...» که زنی اگر چنانچه ازدواج کند بغیر اذن مولايش...»، در این جا هم گفته‌اند که مولی به معنای ولی است و در نکاح مولی باید اجازه دهد و مولی اگر چنانچه غیر معنای ولی را داشت این جا کلمه مولی را نمی‌آوردند و همان کلمه ولی را به کار می‌بردند.

وی همچنین با اشاره به شواهدی از اشعار عرب که در آن یکی از شعرای دوره بنی امیه در مدح عبدالملک بن مروان می‌گوید «فاصبحت مولاها من الناس کلهم و احرى قریش ان تهاب و تحمدا»، گفت: این شعر هم که در بخشی از آن گفته شده «تو از بین مردم مولای همه آنها شدی»، یکی از مواردیست که به آن استدلال شده است که مولا به معنای همان ولی، به معنای اولی به تصرف است.

وی با اشاره به برخی اظهار نظرات علمای عرب در کتاب‌هایشان، بیان کرد: سراء در کتاب معانی القرآن در تفسیر آیه‌ای که ذکر آن رفت می‌گوید «الولی و المولی فی لغة العرب شیء واحد» این یعنی ولی و مولی یک معنا دارد و یکی است. ابوبکر محمد بن القاسم الانباری در کتاب تفسیر المشکل فی القرآن می‌گوید که «ان المولی و الولی ان اولی بشیء» و بعد به این آیه تمسک کرده و به اشعار عرب استشهاد کرده است.

قرائت عبدالله بن مسعود از آیه 55 مائده

وی همچنین با اشاره به قرائت خاصی که عبدالله بن مسعود از اصحاب مشهور پیامبر اکرم(ص) از آیه «إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ؛ ولی شما تنها خدا و پیامبر اوست و کسانی که ایمان آورده‌اند همان کسانی که نماز برپا می‌دارند و در حال رکوع زکات می‌دهند» (مائده/55) داشته است، عنوان کرد: عبدالله بن مسعود که خود کاتب قرآن بوده و مصحفی داشته است این آیه را «انما مولیکم الله و رسوله و الذین آمنوا...» خوانده است. او در واقع خواسته است با این قرائت بفهماند که مولی همان ولی است و به همان معناست.